

مناسک حج

آل محمد

صلوات الله عليهم اجمعين

(منسوب بزید شهید)

تجشیه

علامه سید محمد بن شمس الدین شهرستانی

ترجمه

آقای سید محمود طالقانی

چاپ اول

این کتاب مجاناً بخریداران پیشخبرید راهنمای یهود و نصارا

تقدیم میگردد

نشریه فوق العاده

انجمن تبلیغات اسلامی

بها: ۲۰ ریال

۱۳۳۴

بسمه تعالی

تقدیم به سرکار علیہ

خواهر مبارز و مجاهد

دخت گرامی عالم شهره

مبارز و مجاهد کبیر منافع

شوری و آزادی حامی

مسئولین و محرومان

مصلح حقیقی، آزاده با

اخلاص آقای حاج سید

ممود طالقانی (ره) خاتم

اعظم علانی طالقانی

امید است این سند با ارزش

و موردون راه چندان مورد

استفاده خود و دیگران قرار

داده و حفظ نمایند در انظار

تاریخی آن بزرگوار عزت

زیاده انشاء الله سالم و شاد

باشید با شکر عیدهای

سید حواد میر میر آل طاهر

۱۳۳۴

هفتم ربیع الاول ۱۳۳۴

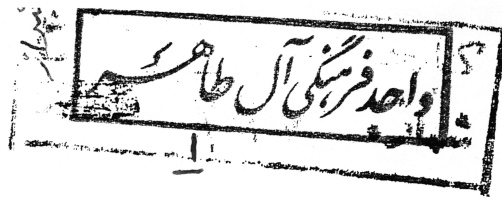
این دلنورده را تقدیم می‌دارم به سعادت منادی و وحدت مظلوم تاریخ انقلاب، مجاهد مصلح آیت‌الله طالقانی
مظهر اخلاص

آنکه با فقدان خود شوری چنان برپا نمود	باغم حوزان خود رنجی به جان ما نمود
اگرچه چون سمعی فروزان در میان جمع سوخت	ظلمت از دلها زدود و راه حق احشاء نمود
آن آنبر همدی که مگرش شعله اسلام بود	دین حق را با متاع جان خود سودا نمود
با بیان مستدل، با گفته شیوای خود	نقشه آخر پیمان را آنچنان خشتی نمود
پرده کینه منافع، آنچنان از هم درید	دهره مستطوره خائنان را عجب رسوا نمود
عاشق راه شهادت بود و در این راه رفت	شده به کوی عاشقان و شوق خود ارضاء نمود
در میان آن شهیدان، بهر خود مسکن نزید	زین جهت در جمع خوبان جسم و جان یکجا نمود
بر تراب پاک ایشان، آفرین آفرین رفت	جستجو نموده جانی بهر خود پیدا نمود
بر مقام رهبری او آنچنان اخلاص داشت	با همان اخلاص خود، خود را چنین والا نمود
یا رزندانهای ایران آن همه سختی کشید	تا مکان جاودان در جنت الهی نمود
تربیت پاک شهیدان آخرین میناق اوست	با شاعران و تن، میناق خود امضاء نمود
«آل طاهر» را در این محفل بین زار و حزن	جای او را نقطه عطفی تمام صحنه ها خالی نمود

این قطعه ناخیز و بی بضاعت تقدیم به روح منور و ملکوتی
آیت عظیمای حق مجاهد مصلح پدر طالقانی عزیز (ره)
با قلب محزون ارادتمند و دعاگوی همیشگی سید جواد میر سید آل طاهر
یادش گرامی و راهش پر رهرو باد انشاء الله

روستای گلپر طالقان زادگاه مجاهد شهید ابوزرمان
آیت الله طالقانی (بیت شریف آن حضرت
قطعه سوره سوره توسط حضرت آیت بنام دارنده ایام





مقدمه مترجم

مناسك حج

كعبه بنائى است اسرار آميز و مناسك آن اسرار آميز تر، نخستين بنائى است
برای تربیت آدمی و اول علامتی است برای رهروان بشر «غرض از كعبه نشانی است که
ره گم نشود» و با همه اسرار و رموزیکه علماء بزرگ و محققین گذشته و امروز نوشته اند
باید يك كلمه جامع گفت، حج مدرسه ابراهیم است، پس همان مقامات توحید و معرفت
و اخلاق و عمل که ابراهیم طی کرد و در آخر بمنصب امامت و پیشوائی مطلق برای
عموم بشر مفتخر شد «انی جاعلك للناس اماماً» بصورت و دستورات و مناسك حج برای
بشر فریضه گشت از احرام و طواف و سعی و عرفات و منی و رمی و ذبح و آن حق
و حقیقتی که ابراهیم مکشوف و مجرد می دید و برای آن همه چیز را بر خود حرام کرد
و باطراف آن طواف نمود و برای رسیدن بآن سعی کرد و بدستورات و نظاماتش عرفان
یافت و موانع را از جلو راه طرد کرد و پسرش را برای آن قربان ساخت، بصورت خانه و
مناسکی در آمد که مهبط صوری و نماینده ظاهری آن حقیقت است، تا بشر آمیخته با
ماده و سرشته از آب و گل آن را با صورت خاکی ببیند و چون مهبطو محل صوری
آن را دید بتدریج بحقیقت و معنایش پی برد «برای اشنائی زیاد تر بر موز مناسك و
حکمت حج باید کتاب اسرار حج را با تامل و دقت نظر کرد» «فارجع البصر کرین»
این روش ابراهیم که نقشه ابدی حیاة حقیقی آدم است و بصورت خانه و
مناسك روی خاك ترسیم شده پس از ابراهیم عنایت حق اساس آن را بر پا داشت
و چون هوس های دوره های جاهلیت و نقش و نگارش آنرا آلوده کرد و مناسك آن را
تغییر داد مجدد ملت «راه و روش» ابراهیم خاتم انبیا صلی اله علیه واله آن را از آلوده
گی ها پاک کرده و تکمیلش نمود و در روز فتح مکه نقوش و صور جاهلیت را محو ساخت
و مناسك آن را بیان کرد و امروز بهترین مناسك برای ما که از آلوده گی های شرك
و جاهلیت دور باشد همان مناسکی است که از خانواده طهارت رسیده همان خانواده
ایکه آثار جاهلیت آلوده شان نکرد پس این مناسك منتسب بزید شهید که در واقع و

همانطوریکه در مقدمه بیان شده از حضرت سجاد و عموم خاندان نبوت است بهترین رهبر رهروان این کوی و کامل ترین دستور محصلین مدرسه ابراهیم و لبیک کویان دعوتش می باشد و ره آوردن فیزیکی است که حضرت علامه شهرستانی از مسافرت های خود بمسلمانان هدیه کرده خصوص با مقدمه ایگه برای آن نوشته و تحقیق در اسناد آنرا بحد کافی استیفاء فرموده اند بطوریکه حجیت آن برای هر فقیه و آشنای باموازین روایت و درایت ثابت و محقق میگردد؛ *

پس بر هر عازم حجی است که این مناسک را همراه بدارد و بر طبق آن عمل نماید و باید متذکر باشد که اصطلاح این کتاب با اصطلاحات فعلی فقها فرق دارد مثلاً عموماً واجبات و مستحبات را بیک امر بیان نموده پس باید حتی المقدور بانجام همه اوامر سعی نماید (چنانکه اوامر باب اول بفتوای فقهاء مستحب است جز پوشیدن دو جامه احرام) همچنین اصطلاح کراهت اعم از حرام و مکروه مصطلح است پس باید حتی الامکان ترک نماید و نیز احکامی است در احرام و حج که عموم فقها ذکر نموده اند ولی در این مناسک ذکر نشده و این بجهت وضوح و مسلم بودن آنها است پس باید متوجه بآنها بود؛ و ما موارد مقتضی را در پیا صفحه اشاره خواهیم کرد *

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما» سید محمود طالقانی

ترجمه مقدمه علامه شهرستانی

مقدمه مفید

برای مناسک منسوب بزید شهید (علیه وعلی آبائه الطاهرين افضل السلام)

بسم الله الرحمن الرحيم

گوید علامه استاد و حجة و ملاذسید هبة الدین پسر محسن پسر مرتضی پسر محمد پسر علامه امیر سید علی کبیر از سالله ولی سعید حسین پسر زین شہید پسر علی بن الحسین سبط رسول خدا پسر امیر المومنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) اما پس از حمد خداوند و درود بر محمد مصطفی و آل او ائمه را هنمایان بر او - من در اثناء سیاحتهم در سواحل یمن در سال ۱۳۳۱

هنگامیکه در طریق حج بودم مناسک امام زید شهید علیه السلام را دیدم ولی برای من استنساخ و مطالعه آن میسر نشد و پس از دست دادن آن در حسرت و پشیمانی «هنگامیکه پشیمانی سودی نداشت» باقی ماندم، تا آنکه خداوند در سال ۱۳۳۴ بر من منت گذارد بزیارة عدۀ از کتابهای نفیس از تألیفات ائمه بزرگ زیدیه که بخطوط قدیمه نوشته شده بود از آنجمله مناسک زید شهید علیه السلام بود پس آنرا بجهت تقرب بخداوند سبحان و برای خدمت بدین عظیم الشان در تحت نظر گرفته استنساخ کردم و نسخه اصل آن بخط فاضل جلیل فقیه جمال الدین علی بن عبدالله مجبشه آسی است که در تاریخ سال ۱۰۸۵ نوشته شده -- باسناد خودش از ابی حازم محمد بن علی و شای مفری «معلم قرائت» از ابوالحسین زید پسر محمد پسر جعفر معروف بابن ابی الناس از حسین پسر حکیم از یحیی پسر هاشم از ابو خالد عمرو (۱) پسر خالد واسطی

(۱) این شخص را جماعتی مانند علی ابن فضال و شیخ مامحدث نوری در خاتمه مستدر کاش توثیق کرده و آقا باقر بهبهانی از شیخ خودش محمد باقر مجلسی استظهار کرده که مشهور نزد شیعه موثق بودن او است.

روایت کرده از زید بن علی علیهم السلام

ح (۱) علامه فقیه جمال الدین علی بن عبدالله آسی بکتابت از امام همام احمد بن عیسی بسند متصل از شریف ابی عبدالله حسن «رض» باسناد خودش از قاسم بن ارقم از زید بن علی (علیهما السلام) مناسک او را بما رسانده (ح) فاضل فقیه جمال الدین علی بن عبدالله بمکتوب و خط خودش بما رسانده گوید این مناسک شریف را یعنی مناسک زید شهید را روایت کرده محمد بن منصور مرادی رحمه الله علیه در کتاب امالی امام احمد بن عیسی از عباد بن یعقوب گوید خبر داده مارا یحیی بن سالم فراء از ابی الجارود (۲) از ابی جعفر باقر (۴) آنگاه مناسک را ذکر کرده (ح) باسناد پیشین از عباد بن یعقوب از محمد بن سالم گوید این مناسک را بر حسین ابن علی (مراد برادر زید شهید است) عرضه داشتم پس گفت علی بن حسین «مقصود سجاد است» اعمال حج را از روی همین کتاب از اول تا اینجا بجا می آورد، احمد بن عیسی گوید مقصود تا اینجا تا آخر کتاب است. تهی سپس میگوید، پس این مناسک امام علی بن الحسین «ع» و مولای ما زید بن علی و برادرش محمد باقر و برادران دیگرش علیهم السلام می باشد، پس آن را محکم بدار -- الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله -- گفته پسر پیغمبر تا اینجا به پایان رسید،

کتابخانه ابن سینا «طالقانی و زمانه ما»

می گویم در مقدم داشتن این بیان ما دو منظور داشتیم. اول تحقیق مصدر این مناسک شریف و اینکه منتسب بکیست و ظاهر این است که این مناسک سید الساجدین زین العابدین امام علی بن حسین علیهما السلام می باشد! دلیل بر این آنستکه دوشیخ گروه حقه ما، ابو جعفر طوسی محمد و ابوالعباس نجاشی احمد هر دو در فهرست خود ذکر کرده اند که ثقه فاضل یحیی بن حسین علوی از ذریه حسین اصغر کتاب مناسک

(۱) این (ح) رمز از حیلولة یعنی فاصله بین دو سند (یا تحویل سند) است.

(۲) شیخ نوری موثق بودن این شخص را استظهار کرده شیخ ما مفید در بعضی از

جدش امام سجاد علی بن الحسین (ع) را روایت کرده و آندو نفر از او بواسطه حافظ ثقه جلیل احمد بن عقده عالم زیدیه مشهور بعلو قدر روایت میکند « این بعلاوه » شهادت حسین اصغر پسر امام سجاد « ۴ » و احمد بن عیسی پسر زید قبلا ذکر شد، و ایندو بزرگ دو عالم مرضی از بزرگان عترت نبوت اند هر دو گواهی میدهند بر اینکه این مناسک از اول تا آخر همان مناسک علی بن حسین « ۴ » است و آن همان مناسکی است که امام سجاد و اولاد امجادش از روی آن عمل حج را انجام میدادند، و می توان گفت انتسابش بزید بسبب آن باشد که او مشهور ترین و مقدمترین راویان آن است.

« مقصود دوم » تحقیق حجیت این مناسک شریف است برای ما و تصحیح سند های ما است تا برسد باین ائمه بزرگوار از آل محمد (ص) - پس میگویم وثوق فقط بخداوند سبحان است، که سند ها و طرق روایت این مناسک (بحمد الله) از ائمه عترت اگر چه متعدد است همانطور که بعضی آن را قبلا شنیدی ولی اعتماد ما بر استوار تر و واضح ترین طرق است و آن همان طریق احمد ابن عیسی است در کتاب امالی (۱) خود چه امالی احمد ابن عیسی کتاب مشهور و متواتر است و هر کس با شیعه زیدیه آمیزش نموده و بینگاه های ترجمه اسلامی مانوس باشد تواتر نسبت این کتاب را به مؤلف شریفش محمد ابن منصور مرادی می داند پس ما بعد از این احتیاج به تصحیح طریقه خود که منتهی باین کتاب می شود نداریم همان طور که آنچه از نهج البلاغه روایت می کنیم احتیاج بتصحیح طریقه خودمان که منتهی باین کتاب میشود نیست. و این ابن منصور آنکسیست که جلالتش و احاطه سرشارش با حدیث فقهاء عترت مخفی نیست و او همان مؤلف امالی شیخ شریف خود احمد ابن عیسی، پسر زید شهید « رض » است و این ابن عیسی از اکابر فقهاء آل محمد (ص) و از بزرگان ائمه حدیث است و شیخ اشرف عترت ظاهر است

(۱) یکی از طرز های کتب حدیث این بود که شیخ حدیث املاء میکرد و دیگری املاء او را مینوشت و امالی نوعا باین گونه کتب گفته میشود مانند امالی سید مرتضی و مفید و شیخ پس آنرا هم نسبت بمؤلف میداده اند و هم بشیخ حدیث و املاء کننده از اینجهت این امالی هم منتسب بشیخ حدیثش می باشد که احمد بن عیسی است و هم منتسب بمؤلف که محمد ابن منصور است (مترجم)

و با حمد «المختفی» معروف بوده زیرا که از خلفاء بنی عباس مستور بوده تا آنکه در زمان متوکل در حدود سن هشتاد و فوات کرد پس ما را چون بحدیثی خبر دهد و یا کتابی را روایت کند که آنهارا بجدش زید یا بجای پدرش امام سجاده علیه السلام یا یکی از عموهای امجدش «ع» اسناد دهد شکمی نماند در این که خبرش مفید ظن قوی است اگر نگوییم علم عادی عرفی بصدق و صحت اسنادش حاصل میشود «و شکمی نیست در اینکه مانند چنین ظنی که ناشی از خبر دادن عدل مزکی از بزرگان محدثین عترت می باشد حجت است که مشهور بلکه جمهور عاملین باخبر آحاد و اعتماد کنندگان بر خبر عدل بر آن باید اعتماد کنند چه رسد بقائلین حجت مطلق ظن، و اما اهل علم همان کسانی که جز بر علم اعتماد نمیکنند می شود که از مصدر خبری و یقین بصحت نسبت و از قرائن و از طرق دیگر آن استفاده علم نمایند «و العلم عند الله سبحانه».

با کی نیست در اینکه برای تأکید اطمینان باین مناسک شریف باین گفتار چند کلمه دیگر اضافه کنیم.

«کلمه اول» ابوالفرج محمد بن اسحق مشهور باین ندیم از فرزندان قرن چهارم هجری در کتاب فهرست خود آنچه گفته عبارتش اینست پس از ذکر علمای زیدیه گوید مرادی محمد بن منصور زیدی است از کتب او یکی تفسیر کبیر است و دیگر تفسیر صغیر و امالی احمد بن عیسی و سیره ائمه عادلّه «النخ» و فهرست ابن ندیم از کتابهای معتبره است و مؤلف جلیل آن نزدیک بعصر محمد بن منصور بوده -

«کلمه دوم» بعضی از افاضل علمای شیعه زیدیه در مجموعه ای که تألیف کرده و بخط خودش نزد من است گفته دارد که عبارتش اینست و کسیکه دوست دارد بشناسد آثار پیشینیان ما را باید در کتابهای آنها نظر کند مانند کتاب علوم آل محمد «ص» تألیف محمد بن منصور کوفی حافظ محدث و آن معروف است بامالی احمد بن عیسی و آن اساس علم زیدیه و منقح ترین کتب آنان است و پس از آن کتاب جامع کافی است.

در بای شریعت بهره مند شوند، ائمه حدیث مانند پدر کریم او را تجلیل میگرداند و پیر مرد سالخورده بود همان کسیست که امالی احمد بن عیسی را گرد آورده و او یکی از چهار نفریست که در کتاب جامع کافی امام محمد بن علی بن حسن بن عبدالرحمن علوی بر آنها اعتماد کرده و در این کتاب کافی اعلام ائمه عراق را جمع کرده بطوریکه در این کتاب استقصا و جمع شده در غیر آن جمع نشده و دوم از این چهار نفر قاسم بن ابراهیم است و سومشان احمد بن عیسی پسر زید است و چهارمشان حسن بن یحیی پسر حسین پسر زید است و محمد بن منصور در کوفه میان عترت مانند ابی حنیفه بود در میان فقهای مذهب خودش، و این محمد بن منصور علامه عراق است، در جامع ذکر نموده که این کتاب از حدود سی و اندی تصنیف از تصنیفات محمد بن منصور جمع کرده، صاحب الجامع در خطبه «المقنع» گوید، آنچه از مذاهب فقهی که صاحبش را ذکر نموده و باطلاق گفته ام همان مذهب محمد بن منصور است، مقری در شرح خطبه الفتح گوید بخاری معروف صاحب صحیح بیست و پنج سال با محمد بن منصور مرادی مصاحبت کرده صارم الدین سید علامه ابراهیم بن محمد گوید، برای محمد بن منصور تفسیری است، من گویم بعضی شیوخ ما ذکر کرده که محمد بن منصور مؤلف کتاب تفسیر کبیر و تفسیر صغیر و کتاب احمد بن عیسی «مراد امالی است» و کتاب نامه او بخراسان و کتاب جواب و نقض حسن ابن زید بطبرستان، سخن ابن ابی الرجال پایان یافت - در گفتارش که همین قدر گفت که «مراد امالی است» اشاره بمعهود میان جمهور است و دلالت دارد که این کتاب احمد بن عیسی بامالی مشهور است و نسبتش باو بطوری مشهور است که معارضه نیست، در طی کتاب «مطلع البدور» تعظیم «محمد بن منصور» و شیخش مکرر ذکر شده، چنانکه در ترجمه محمد بن سلیمان می بینی که گوید این محمد بن سلیمان ظاهر از تلمیذهای شیخ فاضل صالح محمد بن منصور مراد است که صاحب «القاسم» و شاخص علماء در زمان خودش در شهر خودش و غیر شهر خود بوده

«کلمه چهارم» ابوالفرج در کتاب «مقاتل الطالین» تاریخ احمد بن عیسی را سرشار بیان کرده و وفاتش را در سال ۲۴۷ ذکر و مناقبش را بیان نموده لکن نسابه

عترت طاهره احمد بن علی داودی در کتاب «العمده» گفته اما احمد المختفی ابن عیسی
موتم الاشبال (۱) پسر زید شهید عالم فقیه بزرگوار پارسائی بود مولدش سال ۱۵۸
و در سال ۲۴۰ وفات کرد و در آخر عمرش نابینا شد «تا آنجا که گوید»
چون الهادی عباسی در سال ۱۷۰ مرد نزد رشید بود تا بزرگ شد و بر رشید
خروج کرد، پس از آن گرفتار و زندانی شد سپس مستخلص گشته مخفی شد تا
سنش از هشتاد تجاوز کرد و در بصره مرد از این جهت المختفی نامیده شد ابو الفرج اصفهانی در
«الآغانی» گوید اسحق موصلی مغنی معروف در رمضان سال ۳۳۵ مرد خبر مرگش بمتوکل
رسید متکل عزا دار شد و بسیار بر او اندوهناک و محزون گشت، و گفت صدر نشین
عظیمی از جمال و بهاء و زینت ملک از میان رفت سپس خبر مرگ احمد بن عیسی
پسر زید بن علی (۴) رسید متوکل گفت اندوه جبران شد و دو حالت تکافو نمود فیروزی
که بمردن احمد دست آمد جایگزین مصیبتی است که بسبب اسحق رسید پس خدارا بر این
پیش آمد سپاس کنارم، شریف داودی گوید چون این قضیه را خواندم بالبداهه شعری
گفتم و در حاشیه (الآغانی) نوشتم.

یرون فتحاً مصیبات الرسول ویغ - تمون لومات فی الاسلام عواد

(یعنی) مصیبت های رسول رافتح می پندارند و چون در عالم اسلام مرد چنگی
بمیرد برایش غمگین و مصیبت زده می شوند. این بود آنچه میخواستیم ذکر کنیم برای
توضیح مصدر این مناسک شریف و تصحیح صدور آن و نسبتش - والله اعلم خادم شرع مبین
هبة الدین الحسینی -

(۱) یعنی یتیم کننده بچه شیران چون بعد از پنهان شدن او علویها و شیر بچکان علی
بی پدر شدند چه سید و رئیس و ملجأ فاطمین بود.

قال الامام زيد بن علي بن الحسين عليه السلام في منسك الحج واحكامه

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا توجهت الى مكة انشاء الله تعالى فعليك بتقوى الله وذكره كثيراً وقلة الكلام الا في خير فان من تمام الحج والعمرة ان يحفظ الرجل نفسه مما حرم الله تعالى كما قال (فلارفت ولا فـوق ولا جدال في الحج) والرفث هو الجماع والفسوق هو الكذب والجدال هو من قول الرجل لا والله وبلى والله والمفاخرة . فمليك بورع يحجزك عن معاصي الله وحلم تملك به غضبك وحسن الصحابة لمن صحبتك ولا قوة الا بالله .

پیشوای بزرگ زید بن علی بن الحسین علیهم السلام در مناسک حج و احکام آن گویند

بسم الله الرحمن الرحيم

چون انشاء الله تعالى متوجه مکه شدی باید ملازم تقوی باشی و ذکر خدا فراوان گوئی و جز در باره خیر سخن کم گوئی ، چه تمام و کمال حج و عمره این است که مرد نفس خود را از آنچه خدای تعالی حرام کرده حفظ کند چنانکه در قرآن فرموده « در حج نه رفت و نه فسوق و نه جدالی ، است » مقصود از رفت جماع است و فسوق دروغ است و جدال همان گفتار مرد است نه بخدا و بلی بخدا و فخر فروشی . پس بر تو است ملازمت و رعیت که از معاصی خدا تو را باز دارد ، و حلمی که مالک غضب تو شود ، و خوش رفتاری با کسانی که همراه و رفیق تو اند . و لا قوة الا بالله .

(۱) باب الاحرام

واذا اردت العمیق انشاء الله تعالى فانف ابطك واقلم اضفارك واطل عانتك ولا يضرک بايها بدأت . . ثم اغتسل والبس ثوبيك وليكن فراغك من ذلك كله عند زوال الشمس فان ذلك من السنة فاذا صليت الظهر وانت تريد الاحرام حين تنصرف من الظهر تقول (اللهم اني اريد الحج فيسره لي وان لم يكن حجة فعمرة) وقل . . (احرم لك بالحج شعري وبشرى و

لعمری ودمی من النساء والطیب ابتهی بذلك وجهک الکریم والدار الاخرة ومجلی حیث حبستنی
فیه بقدرتک التي قدرت علی) ثم لیه .

«(۱) باب احرام»

چون انشاءالله تعالی اراده وادی عقیق نمائی پس موی ژیر بغل خود را بستر و
ناخن خود را بگیر؛ و برعانه خود نوره بکش، و بهر کدام قبلا شروع کردی ضرری
ندارد... سپس غسل کن و دو جامه احرام خود را بپوش و باید تا هنگام زوال آفتاب
از همه اینها فارغ شوی چه اینهمه از جمله سنن است. چون نماز ظهر را بجای آوردی و می
خواهی محرم شوی هنگامیکه از نماز ظهر منصرف می شوی میگوئی (اللهم انی ارید الحج
فیسره لی وان لم یکن حجة فعمرة، (ترجمه) بارالها من اراده حج دارم آنرا برای من
آسان گردان و اگر حج میسر نشد عمره باشد.

وبگو (احرم لك بالحج شعری و بشری ولحمی ودمی من النساء والطیب ابتهی
بذلك وجهک الکریم و الدار الاخرة و مجلی حیث حبستنی فیه بقدرتک التي
قدرت علی

(ترجمه) خداوند بقصد حج برای تو احرام می بندم و حرام می کنم مو و پوست و
گوشت و خون خود را از زن و بوی خوش و باین کار وجه کریم تو و خانه آخرت
را میجویم؛ و محل حل من همانجائی است که مرا در آن نگاه داری؛ بقدرت خود که
بان بهر چیز توانائی- آنگاه تلبیه بگو.

(۲) باب التلبیه

وقل (لیبک اللهم لیبک لاشریک لک لیبک ان من الحمد والنعمة لک والملك لاشریک
لک) فان شئت اجزأك وان شئت الحققت (لیبک ذا المعارج لیبک داع الی دارالسلام لیبک
لیبک غفار الذنوب لیبک لیبک بحجة وعمرة تمامها واجرها علیک لیبک مرغوب و مرهوب
لیک لیبک تبدیء والمعاد الیک لیبک لیبک تستغنی ونفتقر الیک لیبک لیبک اهل التلبیه لیبک
لیبک ذا الجلال والاکرام لیبک لیبک ذا النعماء والفضل الحسن الجمیل) وقد تجزیک التلبیه

ذالمعارج لبيك (الخ .

ولا يضرك بايل احرمت او بنهار ولا تحرم الا في دبر صلوة فريضة او تطوع واحب

الى ان تحرم في صلوة الظهر

(۴) باب تلبیه»

(و بگو «لبيك اللهم لبيك لاشريك لك لبيك ان من الحمد والنعمة لك والملك

لاشريك لك (۱)

(ترجمه) یعنی خداوندا دعوت تو را اجابت میکنم و ندای تو را لبيك ميگويم

بارالها لبيك ، شريكی برای تو نیست لبيك ، هر چه حمد و نعمت است از تو است لبيك ، ملك از آن تو است و شريك برای تو نیست .

اگر خواهی همین اندازه کافی است ، و اگر بخواهی بآن ضمیمه نما.

لبيك ذالمعارج لبيك داع الى دار السلام لبيك لبيك غفار الذنوب لبيك لبيك

بحجة و عمرة تمامها و اجرها عليك لبيك مرغوب و مرهوب اليك لبيك ببدء و

المعاد اليك لبيك لبيك تستغني و تقمقر اليك لبيك لبيك اهل التلبيه لبيك لبيك ذالجلال

والاكرام لبيك لبيك ذالنعماء والفضل الحسن الجميل ،

ترجمه لبيك خداوند صاحب معارج (درجات بلند بی حد) لبيك دعوت کننده

بدار السلام (سر منزل سلامتی، آسایش، خالی از کدورت)، لبيك لبيك آمرزنده جمله

گناهان، لبيك لبيك بحج و عمره! تکمیل آن و اجر آن بر تو است، لبيك زغبتها و

ترسها همه بسوی تو بر میگردد ، آغاز از تو و معاد موجودات بطرف تو است ،

لبيك لبيك تو بذات خود بی نیازی و معارض حاجت بسوی تومی آوریم، لبيك لبيك تو اهلیت

تلبیه داری (تویی فقط کسیکه باید دعوت را اجابت کرد و بفرمانت همیشه گوش براه بود)

لبيك لبيك پروردگار صاحب جلال و کرامت ، لبيك لبيك صاحب نعمت های و افرو

(۱) شاید يك جمله لبيك كه بعد از كلمه والنعمة لك يا بعد از الملك يا بعد از لاشريك لك

است سقط شده .

ولبيك از لبالك است یعنی برای انجام فرمانت با اخلاص بر با ایستاده ام و تشبیه آن برای

دلالت بحضور تام و فرمانبری مکرر است .

فضل نيك جميل .

بساهمان تلبیه اول تو را کافی است و این آخری ما بین خود و نفست باشد بی آنکه اظهار کنی تا از شهرت دوری کرده باشی ، (۱) تلبیه راپس از هر نماز واجب و مستحب هنگام برخاستن شتر سواریت ، چون بتیه و بلندی صعود میکنی یا بوادی سرازیر می شوی یا سواری بر میخوری و سحر گاهان ، بگو ، هر چه میتوانی آشکار بگو چون آشکار رسیده ، و این جمله یا ذالمعارج را بسیار بگو چه رسول خدا صلی الله علیه و اله ، آنرا زیاد تکرار میکرد و میگفت (لبيك يا ذالمعارج لبيك) ضرری ندارد در شب احرام بیندی یا در روز ، و احرام مبند جز بعد از نماز واجب یا مستحب ، و من دوست میدارم که بعد از نماز ظهر باشد .

(۳) باب مایکره من قتل الدواب

واتق قتل الدواب كلها الا الحيات والعقارب والفارعة وارم الحدأة والغراب واقتل الكلب العقور والسبع اذا اراداك وان لم يريداك فلا تردهما ولا تقتل حية في منازل الناس والجان الدقيق فان ارادتك فاقتلها واقتل الافاعي في منازل الناس كلها والاسود على كل حال (۳) باب آنچه از جانوران که کشتنش مکروه است

از کشتن جمله جانوران پرهیز مکرمارها و عقربها و موش ، بطرف لاش خوار و غراب میتوانی تیربندازی . سگ گیرنده و حیوان درنده چون خواهد بتو حمله کند میتوانی آنرا بکشی اگر بتو تعرضی ندارند تو متعرض آنها شو ، مارهایی که در منازل مردم ساکن است و مارهای کوچک و بی آزار را مکش و اگر متعرض تو شدند میتوانی بکشی ، اقسام مارهای منزلی و انواع شیر را بهر حال میتوانی بکشی .

(۴) باب مایکره من الطيب والدهن للمحرم

ولا تمس شيئاً من الدمن بعد ما تنسل لاحرامك ولا تحمر ثوبك بعد احرام ولا تلبس ثوباً فيه طيب ولا تحرم فيه واذا اغتسلت لاحرام فلبست ثوباً لا يصلح لك لبسه او اكلت طعاماً لا يصلح لك اكله فان شئت تطهرت وامسك على انفك من الربح الطيبة كما تمسك

(۴) باب آنچه از بوی خوش و روغن مالی که برای محرم مکروه است
پس از آنکه برای احرام غسل کردی هیچگونه روغن بخود مس نکن، و جامه
خود را پس از احرام رنگین منمای، و جامه ای که دارای بوی خوش باشد میپوش و در آن
محرم مشو، و چون برای احرام غسل کردی پس از آن اگر جامه پوشیدی و یا غذایی
خوردی که پوشیدن و خوردنش صلاح نیست اگر خواستی تطهیر کن، همانطور که بینی خود
را از استشمام بوی بدمیداری از بوی خوش نیز باز دار، غذائیکه در آن زعفران است
یا آتش آنرا خورده مخور.

(۵) باب کراهة اكل الصيد

والق الدواب عن جسدك وعن بعيرك ولا تأكل شيئاً من الصيد وان كان الصيد في الحلل
والق عنك الدواب كلها الا القملة فانها من جسدك وان اردت ان تحول قملة منك من مكان
الى مكان فلا يضرك وان القيت قملة حين تمسح ذراعيك فلا تعدها وان اردت ان تلقى قراداً
عن بعيرك فلا بأس به ولا يلتقى حمله.

(۵) باب کراهت خوردن گوشت شکار

جانوران کوچک را از خود و شترت دور کن و از گوشت شکار مخور اگر چه شکار
در حل (غیر محرم) صید شده باشد، هر گونه جانوران کوچک را از خود میتوانی دور
کنی مگر شپش را چه آن از جسم خودت تولید شده، میتوانی شپشی را از مکانی بمکان دیگر
نقل دهی و چون بازوی خود را مسح کنی بی التفات شپشی افتاد لازم نیست آنرا عود
دهی، اگر خواستی کنه را از بدن شتر دور کن، ولی گرمهای ریز آنرا بیرون مینداز.

(۶) باب ما یکره من لبس الثیاب

ولا یلبس ثوباً له ازرار ولا ثوباً تطرحه فی رأسك ولا یلبس قباء الا ان تنسی ولا
قمیصاً ولا سراویلاً الا ان لا یکون لك ازرار فلبس السراویل فشقهما من قبل سرتك ما
بین فخذیک تتخذها شبه الازرار ولا تلبس خفین الا ان لا یکون لك نعلا فلبس الخفین فشقهما
علی ظهر قدمیک وان لبست قمیصاً فلا تنزعه من رأسك الا ان لا تقدر علی ذلك وان اخرجته
فاستغفر ربك ولا تمنع رأسك بعد احرامك حتی تحل انشاء الله تعالی واغتسل اذا دخلت الحرم
فان ذلك یتستحب وان لم تغتسل اجزأك.

(۶) باب آنچه از جامه که پوشیدنش مکروه است

جامه ای که دکمه دار باشد نباید پوشید، و نه جامه ای که سر را بپوشاند، و نیز قبا و

پیراهن و شلوار نباید پوشید مگر بحال فراموشی ولی بی دکه عیبی ندارد؛ پس شلوار را از طرف ناف در میان دوران میتوان چاک زد و آنرا بدکهمانندی بهم پیوست.

کفشیکه روی پارامی پوشاند نباید بپاکنی مگر آنکه نعل نداشته باشی پس کفشی که می پوشی پشت آنرا چاک میدهی، و اگر جامه پوشیدی آنرا از طرف سر بیرون میار مگر آنکه جز بیرون آوردن از سر چاره نباشد؛ و اگر از طرف سر بیرون آوردی از خدا آمرزش طلب؛ پس از احرام سرت را هیچ گونه مستور مکن تا آن که محل شوی انشالله و چون وارد حرم شدی غسل کن چه آن مستحب است و اگر غسل نکردی باکی نیست

۷ باب المتمتع و قطع التلبیة

وان كنت متمتعاً و رایت بیوت مكة فاطمعة التلبیة وان لبیت حتی تدخل المسجد الحرام فحسن و عليك بالتكبير و التسبیح و التحمید و الثناء علی ربك ما استطعت.

(۷) (باب متمتع و قطع تلبیه)

و اگر متمتع (۱) بودی و خانه های کعبه آشکار شد تلبیه را قطع کن و اگر تا داخل مسجد الحرام تلبیه گفتی نیک است؛ و آنچه میتوانی از تکبیر و تسبیح و تحمید و ثناء پروردگار کوتاهی نکن.

۸. باب دخول مسجد الحرام « کتابخانه آنلاین »

فاذا دخلت المسجد الحرام فاستقبل الركن الذي فيه الحجر الاسود فادع الله تعالى و اثن عليه بما هو اهله و صل على النبي و على اهل بيته (ع) و قل اللهم تصديقاً بكتابك و بسنة نبيك « ثم استلم الحجر الاسود و قبله ان استطعت ان لا تؤذي و لا تؤذى و ان استقبلته استقبالا اجزاك

(۸) باب دخول در مسجد الحرام

چون داخل مسجد الحرام شدی برکنی روی آور که در آن حجر الاسود است و خدا را بخوان و بآنچه پروردگار اهل آن است ثنايش گو و درود بر پیمبر و اهل بیتش بفرست و بگو - اللهم تصديقاً بكتابك و بسنة نبيك، پروردگارا این عمل من شاهد

تصدیق من است بکتاب تو و سنت پیامبرت، آنگاه حجر الاسود را دست بکش و آن را بیوس این در وقتی است که در اینکار نه خود برنج افتی و نه دیگری را شکنجه دهی، و اگر بحد مقدور بان روی آری کافی است.

۹. باب الدعاء عند استلام الحجر

و اذا اسلمت الحجر نقل اشهدان لانه الا الله وحده لا شريك له واشهدان محمدا عبده ورسوله آمنت بالله وكفرت بالطاغوت وكفرت بعبادة الشياطين وعبادة كل نديدي من دون الله و ان لم تستطع ان تقبله فاستلمه بيدك اليمنى ثم قبلها ثم قل « اللهم البيت بيتك والعبد عبدك وهذا مقام العائذ بك من النار » و تخير لنفسك من الدعاء ما احببت ثم تستلم الركن اليماني والحجر الاسود ما استطعت فافعل ذلك سبع مرات ان قدرت عليه والا فافتح بالحجر الاسود واختم به فانه لا بد من ذلك

(۹) (باب دعاهنگام دست کشیدن بحجر)

چون حجر را استلام کنی بگو « اشهدان لاله الا الله وحده لا شريك له واشهدان محمدا عبده ورسوله آمنت بالله وكفرت بالطاغوت وكفرت بعبادة كل نديدي من دون الله (ترجمه) گواهی میدهم که خدای جز خدا بیگانه نیست و گواهی میدهم که محمد بنده و رسول او است بخدا ایمان آوردم و بطاغوت (سرکش خود خواه) کافر شدم، و بعبادت شیطان ها و عبادت هر نظیری که جز خدا پرستش شود کافر شدم، و اگر نمیتوانی حجر را بیوسی پس بادست راست آن را دست بکش آنگاه دست خود را بیوس، سپس بگو- اللهم البيت بيتك والعبد عبدك وهذا مقام العائذ بك من النار.

(یعنی) بارالها خانه خانه تو است و بنده بنده تو و این مقام کسیست که از آتش بتو پناهنده است. هر دعایی که دوست داری برای خود بر گزین آنگاه رکن یمانی و حجر الاسود را آنقدر که میتوانی دست بکش، و اگر توانستی هفت مرتبه این کار را انجام ده و اگر نمیتوانی همین قدر از حجر الاسود شروع و بان ختم نما چه این حد حتمی است.

۱۰. باب مقام ابراهيم صلى الله عليه و آله و سلم

ثم ات مقام ابراهيم (ع) بعدما تفرغ من طوافك تصلى عنده ركعتين واستقبله بسجدة اماماً واقراً فيها (قل هو الله احد . وقل يا ايها الكافرون).

(۱۰) «باب مقام ابراهيم صلى الله عليه و آله»

چون از طواف خود فارغ شدی برو در مقام ابراهيم دور کعت نماز در آنجا

بجای آرو رو بمقام پیش از نماز دو سجده نما و در دو رکعت آن نماز سوره قل هو الله احد
و قل یا ایها الکا فرون ، بخوان»

۱۱ - باب الصعود علی الصفا و المروة

ثم اخرج من باب الصفا حتى تأته فتصعد عليه ثم استقبل الركن الذي فيه الحجر الاسود
فأثبت و كبر الله سبعاً و هلله سبعاً واحمده سبعاً و قل (لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله
الحمد يحيى و يميت بيده الخير و هو على كل شئى قدير) ثلاث مرات وصل على النبى و اهل بيته
صلى الله عليه و آله وسلم و نخير لنفسك من الدعاء لذنيك ثم انحدر من الصفا فاذا بلغت من الوادى
حتى تأخذ من الهبوط فاسع فيه حتى تجاوزه

(۱۱) «باب صعود بر صفا و مروه»

سپس از در صفا بیرون رو تا بصفا برسی و بر آن بالا روور و بر کنی نما که حجر الا
سود در آن است و در آن درنگ و توقفی نما و خداوند را هفت مرتبه تکبیر و هفت مرتبه
تهلیل گو ، و سه مرتبه بگو «لا اله الا الله و حده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيى و يميت
بيده الخير و هو على كل شئى قدير» - نیست خدائی جز خدای یگانه هیچ گونه شریکی
برایش نیست سر تا سر ملک او راست هر ستایشی مختص باوست جمله خیر بدست او است
بر هر چیزی تواناست» و بر پیمبر و اهل بیتش درود فرست و برای خود دعائی اختیار کن و
برای گناهان استغفار نما ، سپس از صفا رو دای تا بوادی رسی و چون شروع بسرازیری
نمودی سعی کن تا از وادی بگذری.

۱۲ - باب الدعاء فى السعى

و قل و انت تسعى « اللهم اغفر وارحم و انت الاعز الاكرم » ثم ات المروة فاصعد عليها
واستقبل البيت فادع الله و اثن عليه وصل على النبى و اهل بيته صلى الله عليه و آله وسلم و قل كما
قلت على الصفا فاذا مررت على الوادى فاسع فيه مثل ما فعلت اول مرة ثم طف بينهما سبعة اشواط
آخرها المروة

(۱۲) «باب دعائیکه در سعی است»

در حینیکه سعی میکنی بگو - اللهم اغفر وارحم و انت الاعز الاكرم - خداوند

عبور کردی سعی کن چنانکه در مرتبه اول نمودی سپس هفت شوط میان صفا و مروه طواف نما که بمروه ختم شود *

۱۳. باب الحل من العمره

ثم ارجع الى رحلك فقص من شعرك وخذ من مقدمه ومؤخره ومن جانبيه ومن وسطه وخذ من شاربك و قلم اظفارك و لا تستأصلها و ابق منها لحجتك انشاء الله تعالى فاذا فعلت ذلك فقد احللت من كل شئ يحل منه المحرم وطف بالبيت ماشئت تطوعاً بينك وبين التروية. (۱۳) «باب محل شدن از عمره»

آنگاه بطرف باروبنه خود بر کرد و از موی قسمت پیش زو و پشت سر و دو طرف و وسط سرت بچین و از موی شاربت نیز بچین و ناخنت را هم بگیر ولی بکلی آنها را از میان مبر و مقداری از آنها برای اتمام حجت بجای گذار.

چون این کارها را انجام دادی پس محل شده از هر چیزی که محرم از آن محل می شود و چندیکه تا روز ترویه باقیست هر چه خواهی بنیت استحباب بیت طواف کن *

۱۴ - باب تحریم الصيد و انت محرم

ولا تستحل شئاً من الصيد و انت محرم و لا و انت حلال بالحرم و لا تدن علیه محلاً فیصطاده و لا تشر الیه فیستحل من اجلك فانه فيه فداء لمن تعمه. (۱۴) «باب حرمت شکار هنگام محرم بودن»

در حالیکه محرم هستی هیچ شکاری را حلال مشمار و همچنین وقتیکه محلی ولی در حرم هستی و محلی را بصید راه نمائی مکن تا او خود صید کند. و آن اشاره منمائی تا باشاره تو خونس حلال شود. چه هر کس چنین کند عمداً باید فدیة دهد *

۱۵ - باب جزاء الفداء

فداء النعامة بدنة و فداء حمار و وحش بدنة و فی الطبی شاة و فی الارنب شاة و فیما سوی ذلك نحو ثمنه فان اصبحت حمامة و انت محرم فان عليك دم تهريقه شاة و قيمة الحمامة تصدق بها و ان اصبحت حمامة و انت حلال فی الحرم فان عليك قيمة الحمامة لیس عليك غيره.

(۱۵) «باب فدیة جزاء»

فدیة شتر مرغ شتر است، فدیة کور خر نیز شتر است، فدیة آهو و خر کوش

بره است :

کتابخانه مسجد و عمره

و در سوای اینها باندازه قیمت آن است . و اگر کبوتری را در حال احرام کشتی باید خونی
بریزی و آن بره است و قیمت آن را هم صدقه ده ، و اگر کبوتری را در حرم کشتی و محل
بودی فقط بر تو قیمت کبوتر است .

(۱۶) باب الرواح الی منی

وما تقول اذا اردت الاحرام . و اذا اردت ان تروح الی منی يوم الترویة فاصنع مثل الذي
صنعت فی العقیق ثم اغتسل واحرم و البس ثوبیک ثم صل فی المسجد الحرام ثم قل فی دبر صلاتک
مثل الذي قلت فی العقیق و قل «لبیک بحجة تمامها علیک» و اذت مول حتی تخرج من المسجد
الحرام . ولیکن رواحک يوم الترویة حین تصلی الظهر وان مکثت الی العصر فلا یضرك وان اتیت
منی فبت بهاحتی تصلی الفجر انشاء الله تعالی .

۱۶- باب کوچ بطرف منی

چون میخواهی محرم شوی چه میگوئی . چون میخواهی در روز ترویة بطرف منی
کوچ کنی همین اعمالی که در وادی عقیق انجام دادی انجام ده ، آنگاه غسل کن و احرام
ببند و دو جامه خود را بپوش آنگاه در مسجد الحرام نماز گذار سپس بعد از نماز بگو
همانکه در وادی عقیق گفتی و بگو «لبیک بحجة تمامها علیک» و در همین حال از مسجد -
الحرام خارج شو . و این کوچ بطرف منی باید روز ترویة بعد از نماز ظهر باشد و اگر هم
تا عصر مکث کردی ضرر ندارد ، و چون بمنی آمدی شب را بیتوته نما تا آنکه نماز صبح
را بخوانی ، انشاء الله تعالی .

(۱۷) باب الذهاب الی عرفات والدعاء

ثم اغد الی عرفات فاذا زالت الشمس يوم عرفة فاغتسل واقطع التلیبة و علیک بالتکبیر
و التهایل و التسبیح و الثناء علی الله عزوجل وصل علی محمد و اهل بیته صلی الله علیه و آله وسلم و
واستغفر لذنبک و تخیر لنفسک من الدعاء ما شئت و لا تسأله انما تم صل الظهر و العصر مع الامام و الناس
وان شئت جمعت الظهر و العصر باذان واقامتین ثم أت الموقف و استقبل البیت و کبر الله و هلله و
احمده وصل علی النبی و اهل بیته صلی الله علیه و آله و سلم و اجهد فی الدعاء فانه يوم مسألة و لا تدع
حاجة .

۱۷ - باب رفتن بطرف عرفات و دعاء در آن

سپس بامداد ان بطرف عرفات حرکت کن و چون آفتاب روز عرفه از زوال برگشت غسل کن و تلبیه را قطع نما و برتواست مداومت بتکبیر و تهلیل و تسبیح و ثنای بر خدای عزوجل ، و بر محمد و اهل بیتش «صلی الله علیه و آله» درود فرست و برای گناهان خود استغفار کن ، و هر دعائی که میخواهی اختیار نما ، و درخواست چیزی که گناه در بردارد ممکن ، آنگاه نماز ظهر و عصر را با اتفاق مردم با امام بخوان و اگر خواستی نماز ظهر و عصر را بایک اذان و دو اقامه جمع نما آنگاه بطرف موقف حرکت کن و روی بطرف بیت نما و خدا را تکبیر و تهلیل و حمد گو و بر پیغمبر و بر اهل بیتش درود فرست و هر چه میتوانی در دعا کوشش کن چون روز و روز دعا و درخواست است و هر حاجت دور و نزدیک داری از نظر دور نداری از خداوند بطلب و از جمله گفتار در آن حین که در موقف ایستاده این باشد «رب المشعر الحرام رب اغفر لی وارحمنی» پروردگار مشعر الحرام بیامرز من را و رحم آر ، و بگو «اللهم فك رقیبتی من النار و اوسع عنی من الرزق الحلال و ادرء عنی شرفسقة الجن و الانس» خداوند امن را از آتش آزاد گردان و از گردن من بند را بردار و روزی من را از حلال و افر گردان و شر سرکشان جن و انس را از من دور دار (در دامنه چپ کوه توقف نما و روی بطرف خانه آر و در جای خود ساعتی بایست آنگاه چند قدم بطرف جلو پیش رو ، آنگاه بجای خود بایست و قدری مکث کن این کار را ادامه بده تا آفتاب غروب کند .

(۱۸) باب الافاضة الى المزدلفة

وافض علی برکة الله و تورع فی المسیر و اترك الوجیف الذی یصنعه کثیر من الناس فانه بلغنی ان رسول الله صلی الله علیه و آله (کان یکف راس ناقته حتی یبلغ رأسها الی الرجل و یقول للناس علیکم بالسکينة و الدعة) و ان قدرت ان تنزل حتی تأتي اول الجبال عند الشجرات فی میسرة الطريق فتمکث ساعة حتی یخف عنک کثیر من الناس فافعل و لا تحل المغرب حتی تأتي جمعاً فاذا اتیتها فصل المغرب و العشاء باذان و اقامتین و انزل بجمع فی بطن الوادی عن بسارا لطریق قریباً من المشعر و لا تجاوز الجبل لیلة المزدلفة فانه یکره و المزدلفة جمع و اصبح علی طهر بعدما تصلی الفجر و وقف علی المشعر الحرام قبل ان یطلع الشمس و یشرق الجبل و هو تنیر ثم افض علی برکة الله حتی تأتي رحلك بمنی .

۱۸ - باب کوچ همگانی بطرف مزدلفه

بنام مبارک خدا کوچ کن و در رفتن مراعات وقار نما و از دویدن و جست و

خیز که عموم مردم میکنند خودداری کن، چه بمن رسیده که رسول خدا (ص) لکام شتر را بحدی میکشید که سر شتر پپای آن حضرت میرسید و بمردم میفرمود مراعات کنید آرامش و وقار را، و اگر میتوانی در اول کوهستان نزدیک درختها در طرف چپ جاده پیاده شود ساعتی درنگ نما تا ازدحام مردم سبک شود، و نماز مغرب را بجای نیارتا عموم مردم برسی و چون بجمعیت رسیدی نماز مغرب و عشا را بیک اذان و دو اقامه بجای آرو با جمعیت در میان وادی طرف چپ جاده نزدیک مشعر پیاده شو، و در شب مزدلفه از کوهستان عبور مکن چه آن مکروه است و مزدلفه محل اجتماع است، پس از اداء نماز صبح با طهارت باش و بر مشعر الحرام پیش از طلوع آفتاب و تابش آن بر کوه که کاملاً روشن شود توقف نما، سپس بنام مبارک خدا کوچ کن بطرف بارو بنه خود بمنی.

(۱۹) باب الرجوع الی منی

ورمی الجمرۃ العظمی، ثم ات الجمرۃ العظمی التي عند العقبة وارمها بسبع حصيات یکوف بینک و بینهما نحو امن خمسة اذرع تکبر مع کل حصاة کبیرة و قل (اللهم ازجر عنی الشیطان اللهم تصدیقا بکتابک و بسنة نبیک اللهم اجعله حجاً مبروراً و عملاً متقبلاً و ذنباً مغفوراً) ان شئت قلت ذلك مع کل حصاة و ان شئت قلت حین تفرغ من رمیک حین ترید الانصراف و لا تدع التکبیر مع کل حصاة ولیکن حصاک بقدر انملة او اصغر می ذلك قليلا مثل حصاة الحذف و احمل الحصی فی یدک اليسری و ارم بیدک الیمنی و اذا فرغت فاشتر اضحیتک التي كان فیها تمتمک و اشترها قبل رمی الجمرۃ و ان شئت بعده و اجعله كبشاً سميناً اقرن فجلاً و ان لم تجد كبشاً فمن فحولة المعز و الا فمخجة من الضأن فان لم تجد فيما تيسر عليك ثم استقبل بها القبلة و اذبحها.

۱۹ - باب رجوع بطرف منی و رمی جمره بزرگ

سپس بطرف جمره بزرگ که نزدیک عقبه است روان شو و آنرا با هفت ریک رمی کن در حالتیکه فاصله میان تو و آن جمره در حدود پنج ذراع باشد و با هر ریکی که می اندازی تکبیر بگو و بگو « اللهم ازجر عنی الشیطان اللهم تصدیقا بکتابک و بسنة نبیک اللهم اجعله حجاً مبروراً و عملاً متقبلاً و ذنباً مغفوراً » خداوند شیطان را از نزدیکی بمن بران، بار الها این عمل را از جهت تصدیق بکتابت و سنة پیامبرت انجام میدهم، خداوند این عمل را

کوچک تر باشد بمقدار ریگی که با سر انگشت می اندازند، و ریکها را در دست چپ قرار داده و با دست راست بیانداز، چون از این عمل فارغ شدی قربانی را که تمتع در آن است بخر، و اگر خواستی پیش از رمی حجره آنرا بخر، اگر ممکن است قوچ چاق تر شاخ دار باشد و اگر نشد از بزهای تر باشد و اگر آنهم میسر نشد همیشه باشد و اگر هیچ یک از اینها فراهم نشد آنچه میسر باشد تهیه کن سپس آنرا بطرف قبله ذبح کن،

(۴۰) باب ما تقول اذا بذحت الاضحية

ثم تقول حين توجهها الى القبلة (انى وجهت وجهي للذي فطر السموات و الارض عالم الغيب و الشهادة حنيفاً مسلماً و ما انا من المشركين ان صلاتي ونسكي ومحياي و مماتي لله رب العالمين لا شريك له و بذالك امرت و انا من المسلمين اللهم منك و لك بسم الله و الله اكبر اللهم تقبل مني) و لا تنخعه حتى يموت ثم كل منه و اطعم و تصدق و اهدمته ان شئت و احلق رأسك بعد الذبح و اغسله يوم النحر.

۴۰- باب آنچه هنگام ذبح قربانی میگوئی

چون قربانی را بطرف قبله متوجه میکنی میگوئی « انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة حنیفاً مسلماً و ما انا من المشركين ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذالك امرت و انا من المسلمین اللهم منك و لك بسم الله و الله اكبر اللهم تقبل منی) من روی خود را متوجه خداوندی میکنم که آسمان و زمین را پدید آورده عالم نهان و هویدا است یکسر به او متوجه و از غیر او معروض و در پیشگاه عظمتش سر تسلیم فرود آورده ام و از مشرکین نیستم نماز من و اعمال عبادات و زندگانیم و مردنم همه برای خداوند پروردگار عالمیان است شریکی برای او نیست و این مأمور شده ام و من از مسلمانانم خداوندان نعمت عبادت تو فایز از تو است و برای تو است بنام خداوند و خداوند بزرگتر از هر توصیف است، الها از من بخوبی قبول نما (قربانی تا وقتی که نمرده سرش را جدا مکن سپس اگر خواستی بخور و دیگران را نیز بخوران و تصدق ده و هدیه فرست، و سرت را بعد از ذبح روز قربانی بشو و بشوی.

(۴۱) باب زیارة البيت الحرام

ولا تدع ان تروح الى البيت و ان انت زرته فكفكك غسلک السنی اغتسلت يوم النحر بعد الحلق و اذا اردت البيت فطف به سبعة اطواف و صل عند مقام ابراهيم عليه السلام و طف بين الصفا و المروة و قل في طوافك بالبيت و بين الصفا و المروة مثل ما قلت يوم قدمت

مكة ثم قدحلك الطيب والشياب وكل شيئى يحل منه المحرم للمحرم (غير) انى احب ان لا تقرب النساء حتى تطوف بالبيت اسبوعاً آخر ولا يطوف فيه بين الصفا و المروة فاذا فعلت ذلك فقد حل لك النساء والطيب والشياب و كل شئى وادخل البيت الحرام تصلى بين العمودين ما استطعت على الرخامة الحمراء و ان لم تقدر على دخول البيت فقد يجزىك من دخول البيت وقل حين تدخل البيت (اللهم انك قلت ومن دخله كان آمناً فأمنى من عذابك يوم القيامة

۴۱. باب زیارة بیت الحرام

اگرچه خانه را زیارت کرده ولی از زیارت آن خودداری مکی، پس آن غسلی که در روز قربان کرده پس از سر تراشیدن کفایت، و چون بیست رفتی هفت مرتبه طواف کن و نزدیک مقام ابراهیم علیه السلام نماز گذار و میان صفا و مروه طواف کن، و آنچه در روز ورود مکه گفתי در این طواف و سعی نیز بگو، پس از آن بوی خوش و هر جامه و هر چیزیکه محرم از آن محل میگردد حلال می شود (جز) آنکه من دوست دارم که بزین نزدیک نشوی تا آنکه هفت مرتبه دیگر بیت را طواف کنی ولی طواف در صفا و مروه لازم نیست، چون این طواف را انجام دادی زن و بوی خوش و جامه و هر چیز بر تو حلال می شود و داخل بیت الحرام شو مابین دو عمود بالای رخامه حمراء آنچه میتوانی نماز گذار و اگر نتوانستی داخل خانه شوی معذوری، آنگاه که داخل می شوی بگو (اللهم انك قلت ومن دخله كان آمناً فأمنى من عذاب يوم القيمة) خداونداتو گفתי هر کس در آن داخل شود در امان است پس مرا از عذاب قیامت امان ده.

۴۲. باب من لا یجدهدیا

ومن لا یجدهدیا فلیصم ثلاثة ایام آخرهن يوم عرفة و سبعة ایام اذا رجع الی اهله و اذا قدم الی مكة يوم التروية فلا یصوم يوم التروية و لا يوم عرفة و لیصم ثلاثة ایام بعد ایام التشریق و اقم ایام التشریق بمنى وهی الايام التي قال الله تعالى (واذكروا الله فی ایام معدودات)

۴۳. باب حکم کسیکه قربانی نیابد

کسیکه قربانی نیابد سه روز روزه ندارد که روز اخران عرفه است و هفت روز

فی ایام معدودات) خداوند را در آن روزهای معین بیاد آرید و ذکر گوئید.

۲۳- باب رمی الجمار

وارم الجمار فی کل یوم منها عند زوال الشمس و کبر مع کل حصاة و تفعل کما فعلت عند الجمرۃ العظمی و ابدأ بالجمرة الصغراء نحواً من عشرين ذراعاً ثم ات الجمرۃ الثانیة و ارمها بسبع حصیات و قل نحواً مما قلت حین رمیت الجمرۃ الصغری ثم قف قریباً منها عن یسار الطریق و ادع اللہ و اتن علیه و صل علی النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و قل کما قلت ثم افض کما انت الی الجمرۃ العظمی فارمها بسبع حصیات و قل کما قلت و لا تقف عندها و ارجع الی رحلتک و صل الظهر و ان انت شئت فلا یضربک ای ساعة رمیت الجمار ما بین طلوع الشمس الی غروبها و احب الی عند زوال الشمس حتی اذا کان آخر ایام التشریق و رمیت الجمار بمنی صنعت کما صنعت قبل ذلك

۲۴- باب رمی جمرات

هر روز از ایام تشریق هنگام زوال آفتاب جمرات را رمی کن و با هر سنگی که می اندازی تکبیر بگو هم‌طوریکه در جمره عظمی کردی اینجا هم بجای آر، و بجمره صغری ابتداء کن و در حدود بیست ذراع نزدیک آن بایست سپس بطرف جمره دوم برو و هفت ریک بطرف آن بیانداز و آنچه در رمی جمره صغری گفتی در اینجا بگو، سپس در طرف چپ جاده نزدیک باین جمره توقف کن و خدارا بخوان و براو نثای گوی و بر پیغمبر و آتش درود فرست و بگو آنچه قبلاً گفتی، سپس بطرف جمره عظمی در همان حال کوچ کن و آنرا با هفت ریک رمی نما و آنچه گفتی بگو و در آنجا توقف مکن و بطرف بنه خود برگرد و نماز ظهر بخوان، بین طلوع آفتاب تا غروب هر ساعتی خواستی عمل رمی جمرات را انجام ده، من دوست دارم هنگام زوال آفتاب باشد این عمل رمی جمرات را در سه روز ایام تشریق انجام ده، در روز آخر همان اعمال پیش را بجای آر:

۴۴- باب انفر من منی

وصل الظهر ثم انفر من منی و ات مکة و طف بالبيت و ان لم تطف فلا یضربک ان کنت طفت به یوم النحر کما وصفت لک و ان لم تکن طفت به فلا بد لک من ذلك فاذا فعلت فقد قضیت حجک و لا تبیتن ایام التشریق الا بمنی و کبر اللہ فیہن

۴۴- باب کوچ نمودن از منی

نماز ظهر را بخوان پس از آن از منی کوچ کن و بمکه بیا و بیت را طواف نما، و

اگر روز قربان طواف کرده باشی آنطوریکه برایت وصف کردم و این طواف را انجام ندادی ضرری ندارد، ولی چنانچه روز قربان طواف نکرده باشی این طواف را حتماً باید انجام دهی آنگاه که این کار را کردی حجت را انجام داده و در ایام تشریق جز در منی بیتوته مکن و در ایام تشریق خدا را تکبیر گو،

۴۵ - باب تکبیر ایام التشریق

و کبر فی دبر کل صلوة و اول التکبیر صلوة الغداة يوم عرفة و آخر التکبیر صلوة العصر آخر ایام التشریق و تکبیر فی العصر ثم تقطع ولیکن من قولك اذا کبرت فی دبر کل صلوة) الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا

۴۵ باب التکبیر ایام تشریق

پس از هر نماز تکبیر بگو، ابتداء آن نماز صبح روز عرفه است و اخرا پس از نماز عصر روز آخر تشریق می باشد چون تکبیر بعد از نماز عصر را گفתי تکبیر را قطع نما چون بعد از هر نماز تکبیر گوئی از جمله گفتارت این باشد «الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر والله الحمد لله اکبر علی ما هدانا»

۴۶ - باب الوداع

ولیکن آخر عهدک بالبیث واستلم الرکن الاسود و قل «اللهم لاتجعلہ آخر العهد من بیتک الحرام» و قل «اللهم اقلبنی مفلحاً منجحاً الی خیر ما رجع الیه احد من وفدک من البرکة و الرحمة والرضوان والمغفرة والمعافاة»

۴۶ - باب وداع

این آخرین معاهده تو است با خانه خدا، رکن حجر الاسود را استلام کن و بگو، (اللهم لاتجعلہ آخر العهد من بیتک الحرام) «خداوند این را آخرین عهد با بیت حرامت قرار مده» و بگو، اللهم اقلبنی مفلحاً منجحاً الی خیر ما رجع الیه احد من وفدک من البرکة و الرحمة والرضوان و المغفرة و المعافاة «خداوند این را بهترین خیر و برکت و رحمت و خشنودی و آمرزش و عفو، که مهمانهای وارد بدر گاهت بسوی آن بر میگردند

كلها مالم يمسها طيب ولا يحرم من في ثوب فيه زعفران ولا يابس ثوب حرير ولا يجعلن علي وجوههن برقع ولا يتغشين بثوب وبادروا بهن الطواف اول ما يقدمن مكة و لتقض الحائض- المناسك كلها غير انها لا تطوف ولا بين الصفا و الروة حتى تطهر و لتطف بعد ذلك انشاء الله تعالى .

۴۷- باب آنچه زنها در حج خود بايد بجای آرند

زنهای شما که در حجند باید آنچه مردان بجای می آورند بجای آرند و آنچه می گویند بگویند جز آنکه زنها میتوانند همه گونه لباس بپوشند بشرط آنکه بوی خوش در آن نباشد، و همچنین با جامه ای که در آن زعفران باشد نباید احرام بپوشند، و جامه حریر نپوشند، و بر روی خود روپوش نیاندازند، و بایک جامه خود را نپوشانند، در ابتداء ورود بمکه اول زنها را طواف دهند، زن حایض تمام مناسک حج را انجام دهد ولی طواف و سعی را بجای نیاورد تا پاک شود پس از انجام دهد.

۴۸ باب کراهیه اخذ الشعر اذا دخل شوال

لمن اراد الحج فاذا دخل عشرون يوماً من شوال فلا تأخذوا من لحاكم ولا من شعوركم و خنوا من شواربكم هذا لمن اراد الحج من عامه انشاء الله تعالى تمت .

۴۸- باب کراهت ستردن مو چون شوال داخل شود برای کسیکه اراده حج دارد

چون بیست روز از شوال گذشت از ریش و موی خود نگیرید ولی موی سارب را بچینید، این کار برای کسیست که در همان سال قصد حج باشد، انشاء الله تعالى .
پایان یافت



انقلاب اسلامی ایران جهان را تغییر میدهد از سخنان گهربار مجاهد

شهید علامه بزرگوار مفسر کبری قرآن آیت الله طالقانی (ره)

ای نایب پیغمبر ما جای تو خالیست

ابو ذریاء پدرا، پدرا، پدرا، پدرا

خدا هموار کند در مصیبتت، مارا

تا آنکه سترش دین مبین یاد تو باقیست

گلبرد چشم و چراغ طالقان

عجب آب و هوای داره گلبرد	محیط با صغای داره گلبرد
بود بیخ طایفه از عام و سادات	چه نیکو مردمانی داره گلبرد
برای تربیت منزلت خود	همیشه کاروانی داره گلبرد
به دامانش بود مردان عاید	گهی «سلیمان» و «بودر» داره گلبرد
علی رغم تمام تنگدستی	به زعمم چارگاهی داره گلبرد
به کوستان سفرین تا پیشی	چه کوه و دشت و صحرا داره گلبرد
به تعداد امامت می توان گفت:	«شهبازی» دلاور داره گلبرد
به باغ و بیلبل و دشت و چمنزار	بهشت با نشاطی داره گلبرد
تمام «طالقان» او سرفراز است	نشان از حقوق تاریخ داره گلبرد
ز «همود» نفس نمایان است در این ده	عجب چشم و چراغی داره گلبرد
«خدا را سالیتم هر دم بیاپی	که «مهدی» حج یاوران داره گلبرد
دعا کن آل طاهر» سالکان را	ز ساد یا فراوان داره گلبرد

۲۳ / ۳ / ۱۳۱۵

این دل نوشته از سروده های سید حواد میرزا آل طاهر طالقان روستای گلبرد

تقدیم به اعالی محترم روستای گلبرد خاصه اعالی فرعونک و غیر درودی پیاپی به جلالان بزرگ این روستا خاصه سلمان عصر آقای حاج سید ابوالحسن عین طالقانی و فرزند بر و منیر نشان ابوذر



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

آثار حقیقه لے با آیت اعلیٰ طالعائی در صحنہ ۲ آیت رہمت گفتارها و سوره های در باره آن فقید صدیقی
مجلس تخصصی تاریخ و فلسفه در سال ۱۳۸۵ در مشهد حضور آن فقید سعید در جمع متوسلین
تلف تماس ۰۹۱۹۰۷۷۵۳۰۹۰۰

آیة شریفه حضرت صاحب الامر (عج) در کتاب «نور دانش»



چون تاکنون در کشور ما مجله مطابق آنکه مادر نظر داریم منتشر کنیم سابقه نداشته است نمیتوانیم درست برای خوانندگان تشریح کنیم که مجله (نور دانش) چگونه خواهد بود. اما سابقه ما شما نشان میدهند که ادعای ما به عظمت (مجله نور دانش) راست است، بزرگی مطالب و اهمیت کتب و نوشته های انجمن در این سه سال مورد تمهید بق تمام مسلمانان واقع شده و هزاران هزار نامه تفریظ که از تمام نقاط حتی قصبات و دهات نیا میرسد ثابت میدارد که همه شاهدان از مردم منتقد شده اند که آنچه این انجمن منتشر کند بی سابقه و بزرگ است. علاوه بر حسن ذوق ما در تدوین و تنظیم و چاپ و زیبایی کتب مورد گواهی همگان واقع شده است.

بنابراین منتظر باشید که مجله نور دانش بیش از آنچه انتظار دارید شمارا رضی کند. این مجله بشو است خدا در سال بعد ماهی دوبار با هفته یکبار منتشر خواهد شد. بزرگترین نویسندگان کشور، آنهاست که بادل می گویند و می نویسند در آن خواهند نوشت و مطالبی در آن منتشر خواهد شد که نتیجه آن برای دین و فرهنگ و ترقی فکر بشر تا حد امکان دهنده شد. این مجله عظمت حقیقی دین اسلام را با زبان امروز و طبق آخرین ترقیات دانش



مهمان اثبات خواهد کرده. این مجله مفاسد جنبه های زشت تمدن امروز را با مدارک و دلایل متقن نشان خواهد داد و مضار رفتار خارج از رویه بشر را با انسانی که سابقه ندارد گوشزد میکند. در ضمن اشیاء و بزرگی دانش را به بیوت می رساند و

تمدن خوب و بد را از هم جدا می سازد. این مجله میکوشد سطح افکار بشر را به منتهای ترقی ممکن برساند و این عمل را بوسیله تلقین تسوئیم و آموختن دانش انجام خواهد داد. این مجله فرهنگ و معارف را بین تمام مردم از عالی تا

دانی پراکنده خواهد ساخت. علوم و اختراعات امروزی با زبانی ساده و قابل فهم عامه در آن شرح داده خواهد شد.

تمام مقالات و مباحث مختلف مجله با عبارات ساده و شیرین و موثر نوشته می شود. از حیث ادبیت و زیبایی ظاهری و سبک تقسیم و تنظیم و روش مقالات و چاپ و کاغذ و گراور و مزایای دیگر که همه برای توضیح و تأیید نظریات عالی علمی و اسلامیست هیچ چیز شبیه بآن ندیده اید. تبلیغ و اشاعه این مجله وظیفه حتمی هر مسلمان است، هر مسلمانی باید آنرا بخواند و داشته باشد. این مجله غذای روح و جزء ضروریات زندگی شما و دوستان شماست.

مادر موقع تصمیم با انتشار این مجله هدف های بزرگ و مقدسی در نظر گرفته ایم که عبارت از تلقین توحید و نشان دادن فوائد و عظمت اسلام و احیای فرهنگ و رها کردن مردم از جهل و نادانی است. ما میخواهیم که در قبال وقت و پولی که صرف مجله می شود هزاران فایده عاید گردد. در راه این مقاصد بانقشه معین و باروش مشخصی بخوانست خدا خواهم کوشید و وظیفه دوستان ما و دوستان اسلام است که در این امر با ما کمک کنند و ما را یاری نمایند تا بتوانیم به هدف عالی خویش برسیم.

هر کس طالب اشاعه آن باشد درخواست کند تا کتابچه طلبیه توضیحی معرور و رنگی و اوزان مفصلاً آن هر وقت حاضر شد برایش مجاناً ارسال گردد.

